

لزوم تربیت نسوان (۱)

زن کیست؟ و مرکز وی در هیئت اجتماعی بشری چیست؟
 زن، رفیق دوره زندگی، شریک رنج و راحت، سهم غم و شادی، قوه خفیه
 نظم و ترتیب عالم، تکمیل کننده سعادت‌های این جهانی، مرد است.
 زن، از ابتدای خلقت با مرد بوده، تا انتهای خلقت نیز از او جدا نخواهد شد. يك
 تلازم و جاذبه معنوی همیشه این دو جنس را بهم‌دیگر مربوط و متصل داشته، برای
 هر کدام از آنها تأثیری بخشیده و تأثیر زن را بر مرد بیشتر قرار داده است. این برتری
 و رجحان از روی کمال عدل و موازنه باطنی بزن ارزانی شده، چه بنیه زن از مرد
 ضعیفتر و طبعش نازکتر و احساسش لطیفتر است. از وظایف مسلمة مرد است که از
 زن حمایت و پرستاری نموده مراقب و مواظب حال او باشد، او را دوست بدارد و بملاطفت
 رفتار کند.

مرد در زن بدیده پرستش نگریسته او را کُل بوستان عمر، مسرت اوقات و ایام،
 تاج تارک نیکبختی می‌پندارد. زن در مرد بچشم حامی دلیر و مدافع قوی پنجه مینگرد
 و او را ملاذم‌نویع خود می‌شمارد. آن بضعف و لطف و وقت‌زن شیفته گشته او را رب النوع
 جمال تصور میکند. این بر شادیت و بر ذلی و صفات مردانگی مرد نازیده او را دارای
 قدرت و غلبه فرض مینماید.

زن ملکه ایست و مملکت کوچکی دارد که ما آنرا خانه مینامیم. شاید شما از
 این تشبیه تعجب کنید. اگر درست فکر نمائید و در فلسفه اجتماع صاحب نظر دقیق
 باشید این شباهت را تصدیق خواهید کرد. این خانه کوچک، این کاشانه محقر، این
 آرامگاه بی تکلف که اداره امور آن بدست زن سپرده شده، در واقع اساس موجودیت
 انسان و بنیان مستحکم ترقی و تقدم اوضاع جهان است.

اگر بخواهید قدر و منزلت زن را بدانید و از تأثیرات او در هیئت اجتماعی بشر
 آگاه شوید، به‌خانه نگاه کنید و ملاحظه نمائید که اطفال خود را چگونه تربیت میکنند.
 اگر دیدید از زمان کودکی مبادی آدمیت و انسانیت را با آنها می‌آموزد و صداقت

امانت، اجتهاد در عمل، شروط نظافت، دانستن قدر وقت، ضرورت تحصیل علم، مقاومت در میدان تراحم حیات، احترام از عادات نکوهیده را از روی دانائی و معرفت بفرزندان خود یاد میدهد، یقین بدانید امور مملکتی که این ترتیب صحیح در آن موجود شده، رو بخوبی میرود و بزودی باوج اقبال صعود مینماید. اگر دیدید زن مطلقاً از این عوالم خبر ندارد، باز یقین بدانید ملتی که این خانواده از آن محسوب میشود ملتی است نالایق، شایسته تدنی و تنزل، که پیوسته بچاهسار فنا و زوال رهسپار میگردد. یکی از حکما میگوید: «زن و مرد که مسئولیت تکثیر نسل را بعهده گرفته‌اند از تربیت این نسل که بعرضه وجود آورده‌اند مسئولند».

هیچکس اهمیت آموزش کاری مرد را منکر نیست. اما اینکه میگوئیم کاری است که بالانحصار از زن ساخته میشود: فقط زن میتواند در الواح صیقلی و حساس قلوب کودکان خردسال تخم صفات عالیه بکارد. طفلی که عنقریب بحوزه رجال ایام استقبال داخل خواهد شد، از آغاز تولد تا هنگام بلوغ، غالباً همدم و اندسی جز مادر ندارد. پس سرنوشت آینده طفل، سرنوشت آینده عالم، متوقف بر تربیت زنان است. زن را وقتی مخلوق کامل میتوان گفت که وجودش بزور تربیت آراسته باشد. ژان ژاک روسو^(۱) میگوید: «طفل بدخواه مادر تربیت میشود. اگر میخواهید معنی شرف و فضیلت را بفهمد مادر او را تربیت کنید».

دیگری مینویسد: «زن مخلوقی است که بادیست لطیف خویش پایه محکم فضایل اخلاق را در معموره بشریت بنا میکند. یگانه چاره بلندبندی مقام بشری در تعلیم و تربیت نسوان است».

ژول سیمون^(۲) از هموطنان خود میپرسد: «میخواهید صاحب يك هیئت اجتماعی باشرف و افتخار باشید؟ میخواهید اندام ملیت خود را از امراض و معایب اخلاق فاسده منزّه نمائید؟ میخواهید از رذالت و پست فطرتی اثری نماند و رشوه، مثل جریان خون در بدن، بجیب اشخاص مرتشی جاری نشود؟ میخواهید بغض و نفاق از انجمن بشری بار بریندد؟ اگر اینهارا میخواهید باید به پناه تربیت ملتجی شوید، تربیتی که محسّنات فردا در آن موجود و قبایح دیروز در آن معدوم باشد: اگر بخواهید این کار را صورت بدهید قبل از همه چیز باید به تعلیم دختران اقدام کنید».

(۱) J.J. Rousseau، نویسنده شهیر فرانسوی (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸ میلادی).

(۲) Jules Simon، فیلسوف و نویسنده فرانسوی (۱۸۱۴ - ۱۸۹۶ میلادی).

دیگری اظهار میکند: « تعجب داریم از کسانی که اصلاح حال ملت را در این میدانند که آن را از يك لباس یولینیکی^(۱) عاری نمایند، یا بعضی قواعد و قوانین که عبارت از کاغذ و مرگب است بر آن ضمیمه کنند، یا این اصلاح را در وضع حدود و حقوق ملحوظ دارند، درحالتیکه خودشان معانی این الفاظ و اصطلاحات را نمی فهمند! تعجب داریم از غفلت و کوتاه نظری کسانی که تربیت و تعلیم را يك مطلب سطحی فرض نموده اند! اصلاح حقیقی یعنی اصلاح اجتماعی. هر ملتی وقتی میتواند مفهوم این دو کلمه را درآورد که اطفال خود را بخوبی تربیت کند. خواهید گفت: چه کنیم و چگونه باین آرزو نایل شویم؟ جواب شما اینست که در خانه شما بکنفر هست، که اگر خودش از دولت تعلیم و تربیت بهره برده باشد با نهایت خوبی میتواند زمام تربیت خانوادگی اطفال را بدست بگیرد و این خدمت را انجام دهد. این بکنفر کیست؟ زن، مادر. دولفظ که مدلول خارجی آن بانی سعادت انسان است، اگر در روی زمین سعادت وجود داشته باشد! در این صورت تربیت خانوادگی با تعلیم و ترقی حال نسوان از فرایض انسانیست است.»

از همیشه^(۲) دانشمند معروف پرسیدند:

— اصلاح چگونه ممکن میشود؟

گفت:

— کتاب اصلاح مشتمل بر سه فصل است:

فصل اول تربیت، فصل دوم تربیت، فصل سوم تربیت.

ما نیز در پایان سخن باید بگوئیم:

اصلاح واقعی مشرق زمین بسته به چیز است:

اول تربیت خانوادگی،

دوم تربیت خانوادگی،

سوم تربیت خانوادگی.

(۱) Politique، سیاسی.

(۲) Jules Michelet، مورخ فرانسوی (۱۷۹۸ - ۱۸۷۴ میلادی).